

مقایسه جهت‌گیری‌های کارآفرینی اجتماعی و خیریه‌ای بر جنبه‌های مختلف فقر در نهادهای حمایتی شهر مشهد

ابوالفضل رضانی، * علی ربیعی، ** محمدجواد زاهدی مازندرانی *** و
سیداحمد فیروزآبادی ****

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۰/۲	تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۵/۴
------------------------	----------------------

پژوهش حاضر به‌منظور مقایسه تأثیر جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی با جهت‌گیری خیریه‌ای بر جنبه‌های مختلف فقر شامل فقر درآمدی، طرد اجتماعی، فقر قابلیت، آسیب‌پذیری و فقر بین‌نسلی انجام شده است. در این پژوهش خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی با مددجویان مؤسسه‌های خیریه مقایسه شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای که حاوی ۹۱ سؤال بود، گردآوری شد. برای سنجش ابعاد مختلف فقر از «پرسشنامه استانداردهای زندگی» استفاده شد. آلفای کرونباخ همه خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه بالای ۰/۷ بود. پرسشنامه‌ها به ۱۴۳ نفر از خدمات‌گیرندگان هفت مؤسسه با جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی و ۱۵۶ نفر از خدمات‌گیرندگان هشت مؤسسه با جهت‌گیری خیریه در شهرستان مشهد داده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرینی اجتماعی در مقایسه با خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های خیریه، در ابعاد مختلف فقر (ضروریات زندگی، سلامت‌محور، مسکن‌محور، مطلق، نسبی، بین‌نسلی، آسیب‌پذیری و طرد اجتماعی) به طور معناداری وضعیت بهتری داشتند. کارآفرینی اجتماعی فقر بین‌نسلی را کاهش می‌دهد و چرخه فقر را قطع می‌کند. نتایج حاکی از آن است که اشتغال صرف‌نظر از جنبه اقتصادی (افزایش رفاه فرد یا درآمد خانوار)، از لحاظ اجتماعی نیز دایره شمول فرد را گسترش می‌دهد و از خطر انزوا و طرد اجتماعی وی می‌کاهد.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی اجتماعی؛ خیریه؛ نهادهای حمایتی؛ فقر؛ طرد اجتماعی

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: abolfazl.ramezani@student.pnu.ac.ir

** دانشیار جامعه‌شناسی، مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور تهران؛
Email: alirabiee@pnu.ac.ir

*** دانشیار جامعه‌شناسی، مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور تهران؛
Email: m_zahedi@pnu.ac.ir

**** دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران؛
Email: afirouzabadi@ut.ac.ir

مقدمه

در مقابله با مسائل اقتصادی - اجتماعی (مسائل اجتماعی و محرومیت اجتماعی) چهار پارادایم دولتی، بازار آزاد، خیریه‌ها و کارآفرینی اجتماعی مطرح شده است. تداوم مسائل و افزایش محرومیت‌های اجتماعی (فقر و بیکاری) نشان می‌دهد که بخش دولت، بازار و سازمان‌های غیرانتفاعی به حل این مسائل قادر نبوده‌اند. امروزه مؤثرترین و پایدارترین راه‌حل، توسعه کارآفرینی اجتماعی است.^۱ نظام‌های رفاهی که در عصر صنعتی شدن بنا شده‌اند، به نظر نمی‌رسد دیگر به فراهم کردن پوششی برای انواع جدید ریسک‌های اجتماعی قادر باشند که در جامعه جهانی شده مبتنی بر اطلاعات، شبکه‌ها و دانش ظهور پیدا کرده‌اند. همچنین به این لیست می‌توان تغییراتی همچون افزایش طول عمر، نیاز به تغییر شغل در طول زندگی و تحرک افراد را افزود. همه اینها در نظام رفاهی کلاسیک بعد از جنگ جهانی دوم، پاسخ مناسبی آن‌طور که تصور می‌شد دریافت نکرده‌اند.^۲

گسترده‌گی فقر جهانی، تعداد روزافزون بی‌خانمان‌ها، بیماری‌های بومی، قحطی و آلودگی فزاینده نشانگر این حقیقت است که خیریه نیز نمی‌تواند مشکل را حل کند. اتکا به کمک‌های خیریه و هدایا یک مشکل اساسی دارد و آن‌هم وابستگی‌اش به حمایت‌های مالی افراد بخشنده و خیر، سازمان‌ها یا اداره‌های دولتی است؛ بنابراین خیریه به اوضاع اقتصادی وابستگی بسیاری دارد. وابستگی به حمایت‌های مالی مشکلات دیگری را نیز در پی دارد. در کشورهایی که نیازهای اجتماعی گسترده‌اند، منابع موجود برای امور خیریه بسیار کم و محدود است (یونس، ۱۳۹۲). در گذشته نهادهای حمایتی و سازمان‌های غیرانتفاعی از نظر تأمین بودجه، متکی به کمک‌های حکومت، مبالغ اهدایی و سایر منابع افراد خصوصی برای انجام مأموریت خاص خود بوده‌اند؛ اما امروزه، این منابع، به سرعت در حال کاهش بوده و رقابت برای دسترسی به فرصت‌های جذب منابع سخت‌تر شده است به طوری که این سازمان‌ها و نهادها به دلیل مشکلات مالی نمی‌توانند در سطح وسیع خدمات ارائه کنند. از طرف دیگر بسیاری از محرومان و فقرا به دلایل مختلف زمانی، فرهنگی و

1. Dobele, 2012.

2. Gidron, 2014.

اجتماعی از مراجعه به این سازمان‌ها و نهادها خودداری می‌کنند. لذا حجم جمعیت و خانوار تحت پوشش این سازمان‌ها و نهادها مبین حداقل‌های مربوط به جمعیت فقیر و محروم جامعه است (قاسمیان، ۱۳۸۴). برای جبران این کاستی، بسیاری از نهادهای حمایتی در حال به‌کارگیری نگرش‌های کارآفرینانه برای دستیابی به منابع پایدار هستند تا به مأموریت‌های خود نائل شوند (آقایی و زارع‌نیا، ۱۳۹۰).

کمک به افراد به‌صورت مقرر و سبدهای غذایی وابستگی‌های ناسالمی ایجاد می‌کند؛ علاوه بر این به‌دلیل کم شدن مقدار و ارزش کمک‌های مردمی در دوره‌های رکود و تورم، خیریه‌ها به ادامه ارائه خدمات به جامعه هدف قادر نیستند. به‌دلیل تغییر ماهیت فقر از مطلق به نسبی و افزایش نیازهای اجتماعی، تداوم ارائه خدمات، نیاز به منابع مالی بیشتری دارد. به همین دلیل نهادهای حمایتی قادر نیستند مبالغی پرداخت کنند که فقرا را به بالای خط فقر بکشاند. تداوم فقر و آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر، موجب کاهش اعتماد مردم به نهادهای حمایتی می‌شود. مؤسسه‌های خیریه به همراه نهادهای حمایتی فراگیر دولتی در ایران، منابع زیادی را از کمک‌های مردمی دریافت می‌کنند. برای مثال در سال ۱۳۹۷ بودجه کمیته امداد ۴۸۰۰ میلیارد تومان و بودجه بهزیستی ۲۲۰۰ میلیارد تومان بود (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶). درحالی‌که می‌توان برآورد کرد، درآمد مؤسسه‌های خیریه از محل کمک‌های مردمی چندین برابر مجموع مبالغ فوق است که البته پرداخت این منابع به‌صورت اعانه، موجب تلف شدن این سرمایه عظیم می‌شود. چنانچه این بودجه در جهت کارآفرینی اجتماعی هزینه شود می‌تواند تأثیر زیادی در کاهش فقر داشته باشد. یک راه نشان دادن کارایی کارآفرینی اجتماعی نسبت به خیریه‌ها، ارزیابی میزان دستیابی آنها به هدف کاهش فقر است.

از دلایل اولیه که در پیشینه پژوهش برای حمایت از کسب‌وکار اجتماعی با رویکرد بازاری (به‌خصوص آنهایی که برای جمعیت محروم اشتغال ایجاد می‌کنند) عنوان می‌شود عبارت‌اند از: ۱. فواید آنها برای بودجه عمومی (صرفه‌جویی در هزینه‌های رفاهی)، ۲. برای جامعه (کاهش داغ‌ننگ و تصورات کلیشه‌ای از جمعیت‌های محروم) و ۳. برای اقتصاد (افزایش اشتغال و نیروی کار).^۱

هدف فعالیت‌های کارآفرینان اجتماعی علاوه بر ایجاد درآمد، شرکت در حل مسائل کلیدی تأثیرگذار بر جامعه از طریق راه‌حل‌های مؤثر است. یکی از آن مسائل فقر است. براساس گزارش هزاره «برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد»^۱ هنوز ۱۲۰۰ میلیون نفر در جهان با درآمد کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز (فقر شدید) زندگی می‌کنند که این وضعیت با افزایش قابل پیش‌بینی قیمت غذا بدتر می‌شود. محققان مختلف نیز بر پتانسیل کارآفرینی اجتماعی در اصلاحاتی مانند ایجاد شغل، ادغام اجتماعی و توسعه پایدار منطقه‌ای تأکید کرده‌اند.^۲

کمک‌های خیرخواهانه سنتی همواره قسمتی از کمک‌های بخش اجتماعی بوده است، اما بسیاری از طراحان رویکردهای جدید، بر این عقیده‌اند که این امر نمی‌تواند مشکلات اساسی را لحاظ کند. این کمک‌ها وابستگی‌های ناسالمی ایجاد می‌کنند و مشارکت‌کنندگان در برنامه‌ها را خوار می‌سازند (امرسون، گریگوری و اکونومی، ۱۳۸۹). از طرفی مطالعات موردی انجام‌شده درباره آنهایی که موفق به بهبود رفاه خود شده‌اند، نشان می‌دهند که کارفرمایی و بهره‌مندی از منابع چندگانه درآمد، ویژگی بسیاری از مردمی است که از فقر رهایی یافته‌اند (ناریان و همکاران، ۱۳۹۰).

ضرورت دیگر برای ورود به عرصه کسب و کار برای نهادهای حمایتی خیریه این است که امروزه با گروهی از خیرین به نام سرمایه‌گذاران اهداکننده مواجه‌ایم. سرمایه‌گذاران اهداکننده، گروهی از خیرین هستند که ارزش‌هایشان همسو با اهداف بازار است. آنها در صورتی کمک می‌کنند که بدانند سرمایه‌شان در راستای ارزش‌هایشان مصرف می‌شود. به‌طور خلاصه در اهمیت توسعه کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. فرهنگ وابستگی به کمک‌های رفاهی کاهش و احترام به شخصیت افراد افزایش می‌یابد. ۲. جامعه هدف با انجام این کار از فقر شدید خارج می‌شود. ۳. نیاز به منابع دولتی برای پرداخت‌های انتقالی به‌صورت مقررری‌های رفاهی کاسته می‌شود. ۴. با اشتغال‌زایی برای این قشر به اقتصاد کشور کمک می‌شود.

مطالعات انجام‌شده در زمینه کارآفرینی اجتماعی در ایران بیشتر به تحلیل مفهومی،

1. United Nations Development Programme (UNDP)

2. Azmat, 2013; Lamburu, 2012; McAnany, 2012; Parente and et al., 2016; Bernardino, Santos and Ribeiro, 2015.

مقایسه جهت گیری های کارآفرینی اجتماعی و خیریه ای بر جنبه های مختلف فقر ... _____ ۱۸۳

ویژگی های روان شناختی کارآفرینان اجتماعی و عوامل سازمانی توسعه آن توجه نشان داده اند و مطالعات کمی به ارزیابی تأثیر آنها پرداخته اند. در این تحقیق مقصود از کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی، توانمندسازی مددجویان (به خصوص توانمندی اقتصادی) از طریق کارآفرینی اجتماعی است. نتایج مطالعه حاضر به سیاستگذاری اجتماعی جهت توسعه کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی کمک می کند. این تحقیق قصد دارد تأثیر کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی بر کاهش فقر جامعه هدف (فقر) را از طریق پیمایش بررسی کند. برای دستیابی به این هدف، سؤال اصلی این تحقیق عبارت است از: اقدامات کارآفرینی توسط نهادهای حمایتی در مقایسه با خدمات مؤسسات خیریه چقدر توانسته ابعاد مختلف فقر جامعه هدف را کاهش دهد؟ هدف از مقایسه با خیریه ها، فراهم سازی چارچوب مرجعی بود که به معنی یافته ها پی ببریم.

۱. مرور پیشینه

به رغم شعارهایی که درباره پتانسیل کارآفرینی اجتماعی در برخورد با فقر داده می شود، شواهد کمی برای تأیید این ادعا وجود دارد. برای مثال «دیکون» با مرور ۴۴۷ پروژه پژوهشی حمایت شده اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۳ هیچ نشانه ای مشاهده نکرد که مستقیماً ارتباط بین کارآفرینی اجتماعی و فقر را نشان دهد.^۱

محققان با مطالعه موردی دو برنامه تأمین مالی خرد، یعنی «صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی» و «برنامه پشتیبانی از خدمات مالی خرد روستا» تلاش کردند تا آثار این برنامه ها بر شرکت کنندگان، به ویژه بر سه جنبه از زندگی آنان، یعنی ابعاد مادی فقر، آسیب پذیری و توانمندسازی زنان را ارزیابی کنند. نتایج بررسی نشان می دهد که تغییری در میزان پس انداز خانوار، دارایی و هزینه خوراک و پوشاک خانوارهای شرکت کننده در هر دو برنامه ایجاد نشد، اما شاخص تنوع منابع درآمدی خانوار بهبود یافته است. مشتریان جدید برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد روستا، به طور میانگین ۱/۶۲ منبع و مشتریانی که چهار سال از اخذ وام آنها گذشته بود، به طور میانگین ۲/۵۷ منبع درآمدی داشته اند. در

1. Diochon, 2013.

برنامه صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، مشتریان سال اول ۱/۸۴ منبع درآمدی و مشتریان سال چهارم، ۳/۷۵ منبع درآمد داشتند. همچنین، برنامه‌ها فقط زمانی به توانمندسازی زنان منجر شده‌اند که شرکت کنندگان زن، خود بر نحوه مصرف وام کنترل داشتند (علاءالدینی و جلالی موسوی، ۱۳۸۹). هدف مطالعه دیگر بررسی تأثیر عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی بر افزایش اشتغال و کاهش فقر در خانواده آنها در مناطق روستایی بود. نتایج نشان داد که احتمال کاهش فقر در اعضای خانواده زنی که عضو شرکت تعاونی روستایی، سرپرست خانوار، دارای مشارکت و باسواد باشد در بدبینانه‌ترین حالت ۸۳ درصد است. در میان علل اصلی اشتغال از طریق تعاونی‌ها از دیدگاه شرکت کنندگان، روی هم رفته به ترتیب مهمترین عوامل عبارت بودند از خرید محصولات تولیدی اعضا توسط شرکت، اخذ وام، میزان سرمایه شرکت و عضویت در تعاونی (رئیس، نجفی و باقری، ۱۳۹۲).

بررسی صورت گرفته توسط کرمانی و همکاران نشان داد خودکفایی، دسترسی به درآمد، افزایش عزت نفس، کاهش فشارهای روحی و روانی و اعتماد اجتماعی، در سطح فردی به توانمندسازی در سطح خانواده به معنای افزایش سطح درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و نظارت بر منابع اقتصادی خانواده منجر می‌شود. در بین عوامل متنوع اثرگذار بر «توانمندی سرپرست خانوار» بالاترین میزان تأثیر به بُعدی از توانمندی اقتصادی مربوط بود که ناظر بر انگیزه پیشرفت، خودمختاری، برخورداری از مهارت‌های فنی، اشتغال و درآمدزایی و نهایتاً سلامت جسمی است (کرمانی و همکاران، ۱۳۹۲).

در یک برنامه تأمین اعتبار خرد، برنامه‌ای طراحی شد تا به فقیرترین گروه یک دارایی (جفتی گاو، تعدادی بز، یک چرخ خیاطی و غیره) و یک کمک هزینه مالی کوچک برای چند ماه (به عنوان سرمایه در گردش و برای اطمینان از اینکه به فروختن دارایی وسوسه نشوند) داده شود. این برنامه پشتیبانی هم شد، همراه با جلسات منظم، کلاس‌های سوادآموزی و تشویق به اندکی پس‌انداز در هر هفته. نتایج نشان داد در مقایسه با سایر خانوارهای بسیار فقیری که برای مشارکت انتخاب نشدند، سودبرندگان از حیوانات و سایر دارایی‌های تجاری به میزان بیشتری برخوردار بودند؛ آنها با احشام و دیگر حیوانات،

درآمد بیشتری به‌دست آوردند، اما در مقابل، ساعات بیشتری را نیز صرف کار می‌کردند و درآمد بیشتری از کار برای دیگران به دست می‌آوردند. مجموع مخارج ماهانه آنها ۱۰ درصد افزایش یافته بود؛ در میان این مخارج، هزینه‌های مواد غذایی بیشترین افزایش را داشت. احتمال کمتری می‌رفت شکایت کنند که چیز کافی برای خوردن ندارند. شگفت‌انگیزتر، نگاهشان به زندگی بود که به نظر می‌رسید تغییر کرده است. آنها بیشتر صرفه‌جویی می‌کردند و احتمال آنکه مایل به وام گرفتن باشند، افزایش یافته بود. آنها در زمان ارزیابی برای وام‌گیری از نهادهای تأمین مالی واجد شرایط بودند و در مورد مدیریت دارایی احساس اعتماد به نفس می‌کردند (بیرجی و دوفلو، ۱۳۹۲: ۲۹۲-۲۹۱).

رویکرد کارآفرینان اجتماعی به فقر مهم تلقی می‌شود چون تعهد اجتماعی در حل آن دارند. آنها نوآرند و پایداری را با استفاده از منابع مختلف تأمین می‌کنند.^۱ پژوهشی درباره کارآفرینی اجتماعی در آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی موفق، راه‌حلهایی برای مسائل اجتماعی خاص فراهم می‌کنند؛ راه‌حلهایی از قبیل ایجاد شغل و فرصت برای گروه‌های اجتماعی تا محدودیت‌هایشان را بهبود بخشند. این نتایج می‌تواند با سرمایه‌گذاری نسبتاً کم در حمایت از کارآفرینان اجتماعی به‌دست آید.^۲ مقاله لیان به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا کسب‌وکار اجتماعی می‌تواند به‌طور مؤثر در کامبوج به‌عنوان سازوکار پایداری از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد محلی برای اهداف اجتماعی به کار گرفته شود؟ یافته‌های او نشان می‌دهد درحالی‌که کسب‌وکارهای اجتماعی می‌توانند به سازمان‌های مردم‌نهاد محلی فرصت‌هایی برای درآمدزایی و راه‌های جدید برای تعقیب اهداف اجتماعی با ادغام آنها درون ساختار اقتصادی عرضه کنند، رغبت زیاد برای ثبات اقتصادی وجود ندارد؛ ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد بومی ضعیف است، منطق وابستگی‌شان به‌سختی تغییر می‌کند و نیاز به خط‌مشی ابتکاری منسجم دارد.^۳ به نظر می‌رسد برخی کسب‌وکارهای اجتماعی قادرند افراد محروم را با مهارت‌آموزی برای بازار نیروی کار تجهیز کنند. شواهد محدود نشان می‌دهد که کسب‌وکار اجتماعی تأثیر اندکی بر طرد از نظر ارائه خدمت،

1. Girisimcilik, 2011.

2. Watters and et al., 2012.

3. Lyne, 2012.

استخدام و توسعه اقتصادی دارد. با این حال بلاکبورن و رام (۲۰۰۶) اشاره می‌کنند ارزیابی‌هایی که بر خروجی‌های کمی متمرکزند ابعاد بیشتر کیفی از قبیل تغییر در عزت نفس را در نظر نمی‌گیرند. بنابراین تمرکز محدود بر خروجی‌های اقتصادی تأثیر بنگاه اجتماعی بر ابعاد متفاوت طرد را در نظر نمی‌گیرد. یافته‌های پژوهش تسدال نشان می‌دهد مؤسسه‌های اجتماعی با توسعه پیوندها و ارتباط با افراد و نهادهای قدرتمندتر موجب خروج از طرد می‌شوند.^۱ پژوهشی در شانگهای چین برای بررسی تأثیر بیکاری بر روابط اجتماعی جوانان نشان داد که بیکاری ارتباطات اجتماعی آنها و پیوندهای قوی در شبکه اجتماعی‌شان با همسالان را کاهش و جدایی از جامعه رخ می‌دهد. این به نوبه خود به برخورداری از حمایت اجتماعی کم‌اثرتر منجر می‌شود. این پژوهش بحث می‌کند که با سیاستگذاری اجتماعی کمک شود جوانان بیکار، شبکه اجتماعی‌شان را بسازند و روابط اجتماعی متقابل ایجاد کنند.^۲

۲. چارچوب مفهومی

۲-۱. فقر

تعریف‌های متفاوت از فقر منتهی به انتخاب سنجه‌های متفاوت فقر می‌شود، در نتیجه ضروری است مفهوم فقر بررسی شود. در ادامه مفهوم کارآفرینی اجتماعی توضیح داده می‌شود.

الف) فقر درآمدی: فقر درآمدی به دو دسته فقر مطلق و فقر نسبی تقسیم می‌شود. فقر مطلق شامل افرادی می‌شود که از اساسی‌ترین نیازهای زندگی محروم هستند (برزگران، ۱۳۹۳). این مفهوم اشاره به حالتی دارد که در آن فرد، با فقدان منابع لازم جهت بقاء روبه‌روست (زاهدی‌مازندرانی، ۱۳۸۴: ۲۹۸). به زبان ساده در چنین حالتی بدون اینکه فرد یا خانوار را با دیگران مقایسه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که فرد کمترین درآمد لازم برای ادامه حیات را ندارد. در اصطلاحات اقتصادی، فقر درآمدی وقتی وجود دارد که درآمد خانواده از خط فقر پایین‌تر باشد.^۳

از آنجاکه نیاز انسان‌ها متفاوت است، داشتن یا نداشتن کالا که از داشتن یا نداشتن

1. Teasdale, 2010.

2. Skold, 2013.

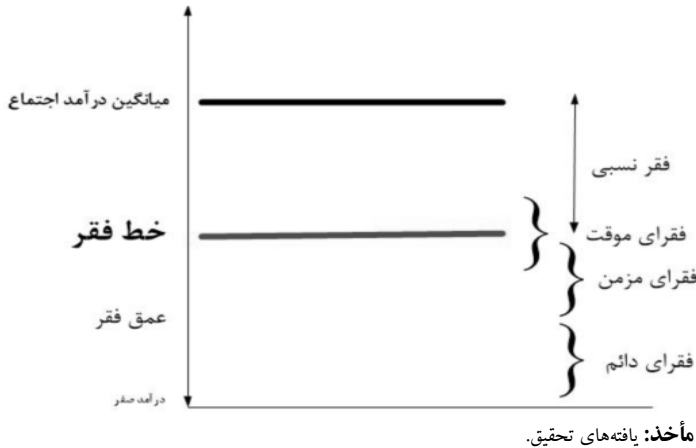
3. United Nations, 2016.

درآمد ناشی می‌شود در ارزیابی مزیت و موقعیت آنها نسبت به یکدیگر کافی نیست؛ افرادی که کالاهای یکسانی دارند ممکن است مطلوبیت و رضایت یکسانی نداشته باشند. از نظر تاوسند افراد و خانواده‌هایی در فقر به سر می‌برند که ذخایر آنها، در طول زمان، کمتر از ذخایر فرد یا خانواده متوسطی باشد که در همان اجتماع زندگی می‌کنند. رهیافت نسبی به‌طور وسیعی در سال‌های دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ در کشورهای توسعه‌یافته مورد استفاده قرار گرفته است. از نظر تاوسند فقر نسبی از محتوای اجتماعی زندگی ما بروز می‌کند (مولان، ۱۳۸۰). فقر نسبی، فقر را درخصوص موقعیت اقتصادی اعضای دیگر جامعه تعریف می‌کند: افراد فقیر کسانی هستند که زیر استانداردهای رایج در جامعه‌ای خاص قرار می‌گیرند. تاوسند در دفاع از مفهوم فقر نسبی بیان می‌دارد، به‌طور خلاصه نگرش قدیمی به فقر وضعیتی بود که مردم در نتیجه فقدان ضروریات مادی زندگی بدان دچار می‌شدند و در میان چیزهای دیگر امری فردی بود ... اما نکته اساسی این است که مردم بیش از هر چیز وجودهای اجتماعی هستند؛ بنابراین، به عنوان وجودهای اجتماعی، نیازهای اجتماعی دارند. اگر آنان نیازهای اجتماعی دارند، پس ما معیار فقر را این‌طور در نظر می‌گیریم که در سطحی از درآمد، آنان توانایی ادامه دادن به زندگی خود به عنوان عضوی از جامعه را از دست می‌دهند (همان). تاوسند این وضعیت را سرآغاز فقر تلقی می‌کند. مهمترین نقد به هر دو مفهوم فقر مطلق و نسبی آن است که به اندازه زیادی به درآمد و مصرف توجه دارند.

در برخی تعاریف بر پویایی فقر یا آسیب‌پذیری تأکید می‌شود و آن را این‌گونه تعریف می‌کنند: احتمال کاهش شدید دسترسی به غذا یا کاهش میزان مصرف که موجب ناتوانی افراد در تأمین حداقل نیازهای ضروری می‌شود. آسیب‌پذیری شامل دو مؤلفه مهم است: روبه‌رو شدن با مخاطراتی که زندگی انسان را تهدید می‌کند و ناتوانی در غلبه بر آنها که معمولاً نیز به‌طور هم‌زمان رخ می‌دهد (لویین، ایگیو و مرکز، ۱۳۹۰). اگر آمارهای چرخشی برای چند سال موجود باشد، می‌توان خانوارها را برحسب مدت ماندگاری در فقر و فراوانی خروج از فقر تفکیک کرد. احتمال سقوط برخی خانوارها به زیر خط فقر بسیار کم است که اصطلاحاً به آنها فقرای موقت گفته می‌شود. این خانوارها حتی اگر بعضی

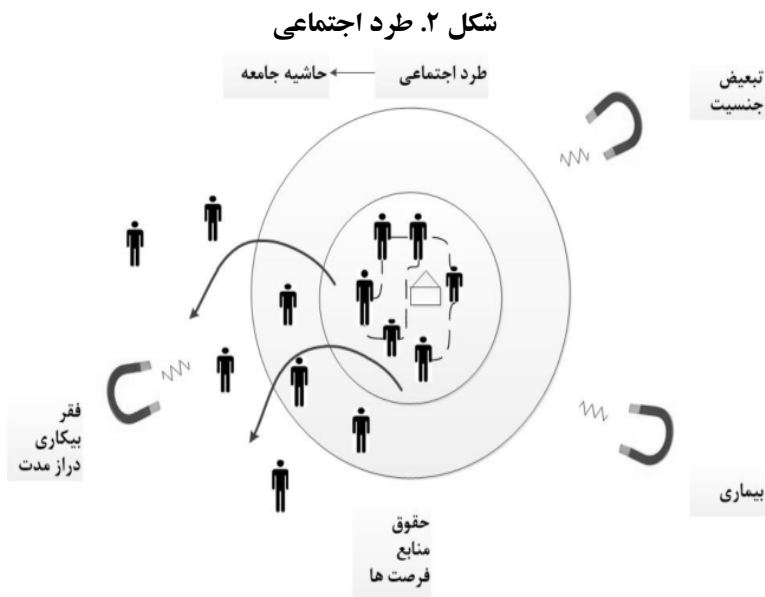
مواقع فقر را تجربه کنند خیلی آسیب‌پذیر نیستند (مانند برخی کشاورزان در مناطق روستایی). احتمال فقیر شدن برخی دیگر از خانوارها، زیادتر است که اصطلاحاً به آنها فقرای مزمن گفته می‌شود. آنها درآمدها معمولاً پایین‌تر از خط فقر و گاهی بالاتر از آن است (مانند کارگران غیرماهر مناطق شهری). خانوارهایی که همیشه درآمدها زیر خط فقر است، فقرای دائم نامیده می‌شوند (همان، ۱۲۲-۱۲۱). شکل ۱ انواع فقر درآمدی را نسبت به درآمد صفر و خط فقر نشان می‌دهد.

شکل ۱. سنجش‌های فقر



ب) فقدان قابلیت (توانمندی): آمارتیا سن فقر را از دو جنبه بررسی می‌کند: فقر درآمدی که بعد مادی و اقتصادی دارد و فقر و محرومیت قابلیت که آن را عدم بهره‌مندی فرد از آزادی‌های اساسی بیان می‌کند که هر فرد برای هدایت زندگی خود به سمتی که برای ارج نهادن به آن دلیل دارد، نیازمند است (سن، ۱۳۸۱). فقر عدم توانایی تحقق تمام قابلیت‌های یک شخص به‌عنوان انسان است. فقیر کسی نیست که درآمدها از یک سطح حداقلی کمتر است، بلکه کسی است که از قابلیت‌های پایه برای نقش‌آفرینی در جامعه محروم است؛ کسی که نمی‌تواند از وضعیت فقر خارج شود. او معتقد است سنجش فقر برپایه قابلیت‌های افراد (فقر قابلیت) در دستیابی به دستاوردهای سزاوارتر از سنجش

دستاوردهای عملی (تأمین نیازهای اساسی و اجتماعی) به تنهایی است (همان).
ج) طرد اجتماعی: مفهوم طرد اجتماعی تا حد زیادی در واکنش به محدودیت های تعریف درآمدی از فقر ظاهر شد. با در نظر گرفتن شاخص های چندوجهی فقر به طور قابل توجهی به درک مفهوم فقر کمک کرد. طرد اجتماعی رویکردی ساختاری به فقر است و فرایندی است که در آن افراد یا کل افراد جامعه به طور نظام مند از حقوق، فرصت ها و منابع (مثل مسکن، اشتغال، مراقبت بهداشتی، مشارکت مدنی) منع می شوند که به طور معمول در دسترس اعضای جامعه هستند و برای انسجام اجتماعی کلیدی اند. همان طور که در شکل ۲ نشان داده شده است طرد اجتماعی فرایندی نظام مند است که افراد به دلیل فقر، بیکاری درازمدت، بیماری و تبعیض از مشارکت در زندگی اجتماعی منع و به حاشیه زندگی اجتماعی رانده می شوند.



Source: Vahabzadeh, 2015.

طرد اجتماعی به معنای فرایند جدایی و گسست از بازار کار، اجتماعات و سازمان های اجتماعی است، اما فقر به معنای فقدان درآمد کافی، یعنی نوعی شاخص است و نه فرایند.

اولی در باب مشارکت است در صورتی که دومی به توزیع مربوط می‌شود (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴).

فقر چندبعدی: فقر نه تنها شامل فقر مادی، فقر نسبی، فقر قابلیت و طرد از اجتماع می‌شود بلکه جنبه‌های دیگری نیز دارد که شرایط خروج از فقر را دشوار می‌سازد. روش‌های مشارکتی سنجش فقر در فهم وجوه مختلف آن بسیار مؤثر بودند. بانک جهانی در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۰ پژوهشی بر مبنای واقعیات زندگی ۲۰ هزار نفر در ۲۳ کشور جهان انجام داد. یافته‌ها نشان می‌دهد تجارب فقرا از فقر، مشتمل بر مواردی از قبیل کمبود رفاه مادی، گرسنگی، درد، طرد شدن، محرومیت، ناامنی، آسیب‌پذیری، ترس و دلهره، پریشانی ذهنی و غیره است.^۱ نارایان و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با انجام مصاحبه‌های کیفی در کشورهای آفریقایی، خاورمیانه، اروپای شرقی و آسیای مرکزی، آمریکای لاتین و کارائیب و آسیای جنوب شرقی به شناسایی ابعاد مختلف فقر پرداختند. این گونه به نظر می‌رسد که تجربه عمده فقرا از محرومیت، ابعادی چندگانه دارد و محرومیت آنها حول محور این ابعاد شکل می‌گیرد. جایی که این مردمان فقیر دیگر آزادی انتخاب و عمل ندارند؛ این همان نقطه نهایی و همان جایی است که این ابعاد باهم تلاقی یافته و شبکه‌ای را می‌سازند که این مردمان فقیر رنجور و ناتوان در آن محبوس می‌شوند. پژوهش‌های مشارکتی نشان دادند که مکان‌های زندگی فقرا، محیط‌های ناامن، با سطح بهداشت پایین و زیرساخت‌های ضعیف هستند. نهادهای ضعیف حامی فقرا یکی دیگر از جنبه‌های فقر آنان است؛ آنها کمک مؤثری به فقرا نمی‌کنند. استثمار کارفرمایان از جنبه‌های دیگر فقر است. کار تحت شرایط استثمار نه تنها فرد را در فقر (عمدتاً فقر مزمن) نگه می‌دارد، بلکه او را دچار فقر زمان نیز می‌سازد، به طوری که فرد فقیر زمانی برای پرداختن به جنبه‌های دیگر زندگی‌اش را ندارد. در ادامه جنبه‌های مختلف فقر که در پژوهش نارایان و همکاران شناسایی شده، آمده است.

۱. **گرسنگی، خستگی مفرط، بدن‌های بیمار و رنجور (فقر سلامت محور):** زندگی فقرا اغلب به کارهایی وابسته است که نیاز به صرف نیروی فیزیکی دارند.

۲. **مکان‌های منزوی، پرمخاطره و بدون امکانات:** مناطق زندگی فقرا نه تنها به لحاظ

مقایسه جهت گیری های کارآفرینی اجتماعی و خیریه ای بر جنبه های مختلف فقر ... _____ ۱۹۱

جغرافیایی دورافتاده و منزوی - مناطق روستایی و یا مناطق حاشیه بدون امکانات شهری - است بلکه از نظر خدمات زیرساختی نیز به شدت در مضیقه هستند.

۳. ناامنی و عدم آرامش ذهن.

۴. زندگی ناپایدار و کمبود دارایی: طبق گفته های مردم فقیر، آنها از دسترسی به سرمایه برای شروع یک شغل جدید محروم هستند.

۵. روابط اجتماعی منزوی کننده: فقرا اغلب به دلیل قومیت، جنسیت، کمبودهای مادی، سن و همچنین اجتماعی که در آن زندگی می کنند، مورد تبعیض واقع می شوند.

۶. سوء رفتارهای افراد قدرتمند: اغلب فقرا آزار و اذیت و توهین و انواع خشونت را از سوی آنها می بینند که جهت امرار معاش و ارائه خدمات به آنها وابسته هستند تجربه کرده اند.

۷. نهادهای محروم و فاقد قدرت: انواع توهین ها، فساد، دروغ و تقلب از سوی نهادهای مرتبط با فقرا وجود دارد که موجب بی اعتمادی فقرا به این نهادها شده است.

۲-۲. کارآفرینی اجتماعی

بنابر تعریف آلتز در سال ۲۰۰۶، سازمان اجتماعی، هر نوع کسب و کاری است که برای تحقق اهداف اجتماعی (مانند تسکین یا کاهش مسائل اجتماعی) و یا ناکامی های بازار، ایجاد شده است. با وجود آنکه دارای نظم و انضباط مالی است و نوآوری در آن جریان دارد و به عنوان کسب و کاری در بخش خصوصی تلقی می شود، اما به ایجاد ارزش اجتماعی منجر می شود. در کسب و کارهای با مسئولیت اجتماعی و شرکت هایی با اقدامات مسئولیت پذیرانه اجتماعی، انگیزه اصلی کسب سود است. این سازمان ها تنها به سهامداران خود پاسخگو هستند و سود حاصل از آنها بین سهامداران توزیع می شود؛ اما در مؤسسه اجتماعی و سازمان های غیرانتفاعی با فعالیت های درآمدزا، انگیزه اصلی، تحقق مأموریت سازمان است. در این نوع سازمان ها، پاسخگویی نسبت به ذی نفعان وجود دارد و درآمد حاصل در برنامه های اجتماعی و یا تأمین هزینه های عملیاتی، سرمایه گذاری مجدد می شود.^۱ در ادامه برخی از تعاریف کارآفرینی اجتماعی آورده شده است.

جدول ۱. تعاریف کارآفرینی اجتماعی

کارآفرینی اجتماعی، کسب‌وکاری با اهداف اساساً اجتماعی است که مازاد سودش اصولاً برای اهداف کسب‌وکار یا اهداف جامعه سرمایه‌گذاری می‌شود و هدف افزایش سود سهامداران و مالکان نیست (بی‌ملور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۰).
کارآفرینی اجتماعی انجام مأموریت‌های اجتماعی و انسان‌دوستانه با فعالیت‌های کسب‌وکاری است (اسدی، رضوی و فراستخواه، ۱۳۹۰).
کارآفرینی اجتماعی شامل توسعه برنامه‌های نوآورانه برای کمک به بهبود معیشت کسانی است که فاقد کسب‌وکار و قدرت مالی هستند یا در استفاده از فرصت‌های خدمات اجتماعی با محدودیت مواجه‌اند (کرمی، مبارکی و مهاجری، ۱۳۹۰).
تامسون، لوی و لیز ادعا می‌کنند که در کارآفرینی اجتماعی، افراد متوجه فرصت‌هایی برای برآوردن نیازهای برآورده نشده می‌شوند که نظام رفاهی نمی‌خواهد یا نمی‌تواند آنها را رفع کند. کارآفرینان اجتماعی از طریق گردآوری منابع لازم شامل افراد و اغلب داوطلبان، پول و مقدمات، سعی می‌کنند منشأ تغییر باشند (احمدپور داریانی، سلام‌زاده و شرفی‌فرزاد، ۱۳۸۹).
کارآفرینی اجتماعی به اقدامات افرادی گفته می‌شود که در فعالیت‌های کارآفرینانه با اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی درگیر می‌شوند (جم، ۱۳۹۰).
کارآفرینی اجتماعی عبارت است از کاربرد رفتار کارآفرینانه برای مقاصد اجتماعی به‌جای اهداف انتفاعی (مقیبی، و کیلی و اکبری، ۱۳۹۲).
کارآفرین اجتماعی با ارجاع به اهدافش یعنی استفاده از رفتارهای کارآفرینانه برای اهداف اجتماعی و تلاش برای حل کارا و خلاقانه مسائل اجتماعی تعریف می‌شود. ^۱

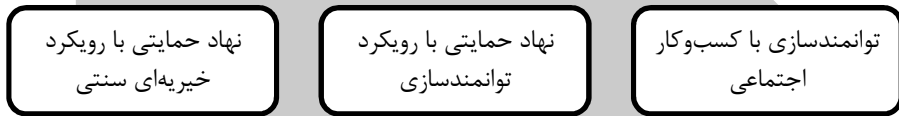
سه عنصر تعاریف فوق عبارت‌اند از: الف) اهداف اساساً اجتماعی شامل: مازاد سود اصولاً برای اهداف جامعه سرمایه‌گذاری می‌شود، ارتقای ارزش‌های اجتماعی و توسعه، توجه به نیازهای مهم اجتماعی، نیازهایی که نظام رفاهی نمی‌خواهد یا نمی‌تواند آنها را رفع کند، هدف؛ افزایش سود سهامداران و مالکان نیست، هدف؛ تغییر، اصلاح یا تحول اجتماعی است. ب) به گروه‌هایی که: فاقد کسب‌وکار و قدرت مالی هستند، در استفاده از فرصت‌های خدمات اجتماعی با محدودیت مواجه می‌باشند. ج) از طریق: کسب‌وکار فعالیت‌های نوآورانه، گردآوری منابع لازم شامل افراد و اغلب داوطلبان، پول و مقدمات سعی می‌کنند منشأ تغییر باشند. مفهوم تولید ارزش اجتماعی بهتر می‌تواند همه اهداف فعالیت‌های

مقایسه جهت گیری های کارآفرینی اجتماعی و خیریه ای بر جنبه های مختلف فقر ... _____ ۱۹۳

کارآفرینانه اجتماعی را دربرگیرد. البته جامعه هدف کارآفرینی اجتماعی همیشه گروه های محروم اجتماعی نیستند؛ بلکه ارزش های اجتماعی جامعه غیرمحروم (مانند حفظ محیط زیست) نیز هدف فعالیت های کارآفرینانه اجتماعی است.

در سال های گذشته در حوزه نهادهای حمایتی و مؤسسات خیریه، شاهد تغییر جهت گیری از رویکرد نیاز مبنا و حمایتی به رویکرد توانمندسازی هستیم. تاکنون در هر دو نوع مؤسسه (حمایتی و توانمندساز)، منابع مالی از کمک های مردمی و بودجه دولتی تأمین می شد، اما در سال های اخیر شاهد تغییر جهت گیری جدیدی در نوع دوم نهادهای حمایتی (یعنی توانمندساز) هستیم که می خواهد با اتکا به درآمد حاصل از کسب و کار، فرایند توانمندسازی را به شکلی پایدار انجام دهد (شکل ۳).

شکل ۳. جهت گیری انواع نهادهای حمایتی در ایران

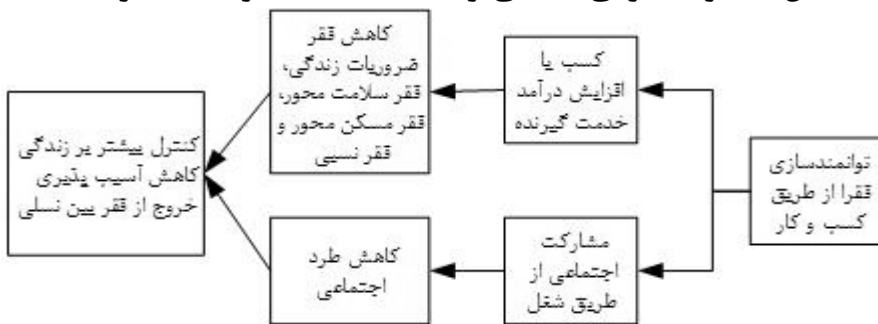


مأخذ: یافته های تحقیق.

برخی از مؤسسه ها و نهادهای حمایتی با رویکرد توانمندسازی علاوه بر کمک های مردمی و دولتی، با کسب درآمد از فعالیت های کارآفرینانه به ارائه خدمات می پردازند. مؤسساتی که در سمت راست طیف قرار می گیرند، عمده منابع مالی لازم برای فعالیت های توانمندسازی را از راه کسب و کار به دست می آورند. کارآفرینی اجتماعی در حوزه فقر به معنی توانمندسازی فقرا از طریق کسب و کار است. کمک اصلی کسب و کار پایدارسازی فرایند توانمندسازی است و توانمندسازی به معنای ایجاد فرصت و قابلیت برای فقراست. برخی از مؤسسه های خیریه ایران در حال حاضر (شاید کمتر از ۵ درصد در ایران در مقایسه با ۷۰ درصد در آمریکا) از کسب و کار مددجویان شان به صورت های مختلف

حمایت می‌کنند. جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی شامل این موارد است: ۱. آموزش‌های مهارتی و خدمات مالی (وام و پس‌انداز) ارائه می‌دهند و هزینه و کارمزد این خدمات را دریافت می‌کنند. ۲. برای محصولات تولیدی مدجویان بازاریابی می‌کنند (مثلاً از طریق فروشگاه‌های عرضه مستقیم یا بازارهای خیریه‌ای) و هزینه‌های جاری فعالیت کسر و سود آن به خدمات‌گیرندگان پرداخت می‌شود. ۳. به‌طور مستقیم در کارگاه‌های تولیدی استخدام می‌کنند؛ در این روش هزینه‌های جاری از تولیدات کسر و سود حاصل از فعالیت به‌صورت حقوق به افراد استخدام شده پرداخت می‌شود. ۴. محصولات نوآورانه برای افزایش بهره‌وری تولیدات فقرا عرضه و هزینه آن دریافت می‌شود. ۵. کاهش هزینه‌های مواد اولیه تولید و بازاریابی محصولات از طریق راه‌اندازی تعاونی برای خدمات‌گیرندگان یکی دیگر از انواع کارآفرینی اجتماعی است. شکل زیر به‌منظور نشان دادن چگونگی تأثیر کارآفرینی اجتماعی بر جنبه‌های مختلف فقر ترسیم شده است.

شکل ۴. تأثیر کارآفرینی اجتماعی بر جنبه‌های مختلف فقر خدمات‌گیرندگان



مأخذ: همان.

۳. روش‌شناسی

روش این پژوهش پیمایشی و مکان انجام آن شهر مشهد است. برای بهتر نشان دادن تفاوت به‌وجود آمده در نتیجه اتخاذ جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی، جنبه‌های مختلف فقر خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های با جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی با خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های خیریه مقایسه شد. جامعه مورد بررسی، نهادهای حمایتی با گرایش کارآفرینی

اجتماعی و گرایش خیریه‌ای شهرستان مشهد بودند. تعداد ۲۰۷ مؤسسه خیریه فعال در شهرستان مشهد وجود دارد. آمار دقیقی از مؤسسه‌های با گرایش کارآفرینی اجتماعی در دست نیست. جهت انتخاب مؤسسه‌های خیریه، فهرست مؤسسات خیریه شهرستان مشهد تهیه و سپس هشت مؤسسه به تصادف انتخاب شد. در کل، هفت مؤسسه با جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی در شهرستان مشهد شناسایی شد و همه انتخاب شدند. نهادهای حمایتی با جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی در این پژوهش عبارت بودند از: خدمات‌گیرندگان معاونت خودکفایی کمیته امداد، مرکز حمایت از جوانان گل‌فروش بهزیستی، مؤسسه‌های خیریه کارآفرین (کارگاه خیاطی مؤسسه خیریه ثامن، مؤسسه خیریه کارآفرین امیرالمؤمنین (ع) و مؤسسه توانیابان و مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی (کارخانه زیتون آرشیو و کارگاه خیاطی صداقت). مؤسسه‌های خیریه عبارت بودند از: آبشار عاطفه‌ها، آبشار مهربانی، انصارالحجّة، انصارالمحسن، انصارالهادی، پویندگان راه علی (ع)، خورشید بقیع و خیرالبشر.

در طرح نمونه‌گیری ابتدا لیست خدمات‌گیرندگان هر مؤسسه دریافت شد، سپس از هر مؤسسه ۲۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه پژوهش را تکمیل کردند. جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. با توجه به واریانس پیش‌آزمون و سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه برای هر گروه ۱۵۰ نفر تعیین شد. در پایان ۱۴۳ پرسشنامه توسط خدمات‌گیرندگان هفت مؤسسه با جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی و ۱۵۶ پرسشنامه توسط خدمات‌گیرندگان هشت مؤسسه خیریه تکمیل و جمع‌آوری شد.

داده‌ها با پرسشنامه‌ای که حاوی ۹۱ سؤال بود، گردآوری شد. در طراحی پرسشنامه پژوهش از «پرسشنامه استانداردهای زندگی» مؤسسه تحقیقات فقر و طرد اجتماعی انگلیس کمک گرفته شد. محققان برخی سؤال‌های غیرمرتبط با جامعه ایران را حذف و برخی از آنها را با توجه به مباحث نظری و سؤال‌های استفاده شده در تحقیقات پیشین اضافه کردند. چون نمونه تحقیق طیف متنوعی از فعالیت‌های کارآفرینی اجتماعی بودند، محققان کار خود را از تغییراتی آغاز کردند که در زندگی مردم بیشترین اهمیت را داشته‌اند. در این رویکرد سعی می‌شود فهرستی کلی از همه انواع تأثیرها و میزان آنها بر هر کدام بررسی شود. روایی ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق با روش‌های روایی محتوا بررسی شد. ابزاری

دارای روایی محتواست که تمام قلمرو معنایی مفهومی که محقق قصد اندازه گیری آن را دارد تحت پوشش قرار دهد. برای این منظور پرسشنامه تحقیق به اساتید و صاحب نظران ارائه شد و برای سنجش پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان آلفای کرونباخ کلیه خرده مقیاس های پرسشنامه بالای ۰/۷ بود. جهت مقایسه از آزمون های تی تست برای گروه های مستقل و آزمون خی دو استفاده شد.

۴. یافته ها

جدول ۲ ویژگی های جمعیت شناختی خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی و خیریه ها را نشان می دهد. در موضوع وضعیت تأهل در مؤسسه های خیریه فوت همسر بیشتر است اما در گروه کارآفرین اجتماعی میزان متارکه بیشتر است. میانگین سنی خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه بیشتر است. خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی به طور میانگین سال های بیشتری تحصیل کرده اند.

جدول ۲. ویژگی های جمعیت شناختی به تفکیک نوع مؤسسه

نوع مؤسسه				موضوع	
کارآفرین اجتماعی		خیریه			
تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۳۶	۲۷.۱	۲۳	۱۵.۵	مرد	جنسیت
۹۷	۷۲.۹	۱۲۵	۸۴.۵	زن	
۲۲	۲۰.۰	۱۴	۹.۰	هرگز ازدواج نکرده	وضعیت تأهل
۳۹	۳۵.۵	۵۷	۳۶.۸	متأهل	
۱۳	۱۱.۸	۵۶	۳۶.۱	فوت همسر	
۳۶	۳۲.۷	۲۸	۱۸.۱	متارکه	
۳۳.۴		۴۳.۶		میانگین	سن
۸.۱		۴.۶		میانگین	تعداد سال های تحصیل
۲.۷		۳.۸		میانگین	تعداد فرزندان
۳.۶		۳.۰		میانگین	تعداد افراد تحت تکفل خانواده شما (با خودتان) در حال حاضر چند نفر هستند؟

نوع مؤسسه				موضوع
خیریه		کارآفرین اجتماعی		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۷.۰۱		۴.۱۶		چند سال است از این مؤسسه خدمات دریافت می کنید؟
۱.۵۲		۲.۰۰		قبل از اینکه از حمایت این مؤسسه برخوردار شوید چقدر مهارت داشتید؟

مأخذ: یافته های تحقیق.

خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی به طور میانگین ۴/۱۶ سال است که از مؤسسه، خدمات دریافت می کنند، درحالی که گروه دیگر به طور میانگین هفت سال است که از مؤسسه خیریه خدمات دریافت می کنند. خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی به طور میانگین نیم نمره بیشتر از خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه سابقه مهارتی داشتند. آزمون تی مستقل نشان می دهد این تفاوت از نظر آماری معنادار است (آزمون یک دامنه $t=7.8$, $df=221$, $P=0.001$).

۴-۱. فقر ضروریات زندگی

برای مقایسه برخورداری از ضروریات زندگی در دو نوع مؤسسه از آزمون خی دو استفاده شد. نتایج آزمون خی دو نشان می دهد که در اکثر موارد (ماشین لباسشویی، تلویزیون، فریزر، تلفن همراه لمسی، کامپیوتر، اتصال به اینترنت در خانه، تلویزیون ال. سی. دی، لباس مناسب، درمان های لازم دندان، بیمه درمانی، میوه و سبزی تازه روزانه، میهمان کردن فامیل یا دوستان ماهی یک بار، شرکت در عروسی، شرکت در فعالیت های ورزشی یا کلاس های ورزشی) خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی به میزان بیشتری از ضروریات زندگی برخوردارند. این دو گروه از نظر برخورداری از «گوشت یا ماهی یک بار در هفته» و «سه وعده غذا در روز» و نداشتن «ماشین، پول کافی برای تعمیر مبلمان کهنه، پول کافی برای جایگزینی یا تعویض وسایل الکتریکی مثل فریزر یا ماشین لباسشویی»، با هم تفاوت معناداری نداشتند.

۲-۴. فقر سلامت محور

میانگین نمره سلامتی در خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرینی اجتماعی ۳/۲۸ و در خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه ۲/۲۵ از ۵ است. آزمون تی مستقل نشان داد که تفاوت مشاهده شده معنادار است (آزمون یک دامنه $t=7.52$, $df=283$, $P=0.000$). در مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی ۴۳/۸ درصد از خدمات گیرندگان بیماری طولانی مدت جسمی یا روانی در ۱۲ ماه گذشته داشتند، درحالی که اکثریت (۶۶/۴ درصد) خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه بیماری طولانی مدت جسمی یا روانی در ۱۲ ماه گذشته داشتند. همبستگی میان بیماری طولانی مدت ماندگار و نوع مؤسسه معنادار بود ($p=0.000$, $14/53$, $N=280$). یافته‌ها نشان می‌دهد بیماری‌های حرکتی (مثل راه رفتن در فواصل کوتاه یا بالا رفتن از پله) و عروقی (مثل بیماری قلبی، یا بیماری قند خون) در خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه خیلی بیشتر از خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی است. میانگین نمره سؤال «در ۱۲ ماه گذشته آیا احساس کردید که سلامتی‌تان، بر موقعیت مالی‌تان تأثیر داشته است؟» در خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرینی اجتماعی ($n=109$) ۲/۵ و در خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه ($n=147$) ۳/۲ است. آزمون تی مستقل نشان داد که تفاوت مشاهده شده معنادار است (آزمون یک دامنه $t=5.1$, $df=254$, $P=0.001$).

۳-۴. فقر مسکن محور

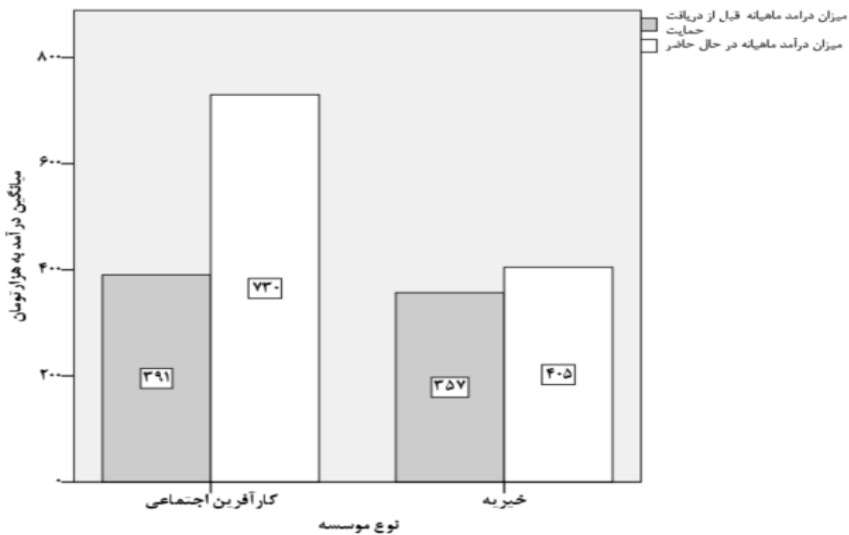
داده‌ها نشان می‌دهد ۳۳ درصد خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی مالک مسکن هستند، درحالی که ۱۶/۷ درصد مددجویان مؤسسات خیریه مالک مسکن هستند. همبستگی میان مالکیت مسکن و نوع مؤسسه معنادار بود ($p=0.000$, $19/63$, $N=286$). در کل ۴۲/۷ درصد خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی وضعیت تعمیرات خانه‌شان را ضعیف توصیف می‌کنند، درحالی که ۶۰/۸ درصد مددجویان مؤسسات خیریه همین نظر را درباره خانه‌شان دارند. همبستگی میان مالکیت مسکن و نوع مؤسسه معنادار است ($p=0.010$, $9/26$, $N=284$).

۴-۴. فقر درآمدي

میانگین درآمد خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی قبل از دریافت حمایت از مؤسسه ۳۹۱ هزار تومان بود و پس از دریافت حمایت‌های مؤسسه به ۷۳۰ هزار تومان در ماه رسید. آزمون تی دو گروه وابسته نشان داد که تفاوت میان شرایط قبل و بعد از دریافت حمایت از مؤسسه کارآفرین اجتماعی معنادار است (آزمون یک دامنه $t=-6.12$, $df=69$, $P=0.000$)؛ اما میانگین درآمد خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های خیریه پس از دریافت حمایت، تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد.

نمودار ۱. میزان درآمد ماهانه قبل و بعد از دریافت حمایت به تفکیک نوع مؤسسه

(هزار تومان)



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۳ نشان می‌دهد میانگین «کل هزینه ماهانه زندگی» خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرینی اجتماعی ۷۱۳ هزار تومان است، درحالی‌که خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های خیریه به‌طور میانگین ۴۸۳ هزار تومان در ماه هزینه می‌کنند (برای یک خانواده سه‌نفره). آزمون تی مستقل نشان داد که تفاوت مشاهده شده معنادار است (آزمون یک دامنه

میانگین «کل درآمد تمام افراد عضو خانواده» (t=4.16، df= 231، P=0.000). خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی ۱,۰۳۱,۸۱۸ تومان است، درحالی‌که میانگین «کل درآمد تمام افراد عضو خانواده» خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه ۵۱۰ هزار تومان است: (آزمون یک دامنه t=1.21، df= 232، P=0.000).

جدول ۳. میانگین هزینه، درآمد و درآمد مورد نیاز به تفکیک نوع مؤسسه

(هزار تومان)

موضوع	نوع مؤسسه	N	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار از میانگین	t	p
کل هزینه ماهانه زندگی تان چقدر است؟	کارآفرین اجتماعی	۱۱۸	۷۱۳.۶۸	۵۱۳.۵۶	۴۷.۲۷	۴.۱۶	۰.۰۰۰
	خیریه	۱۱۳	۴۸۳.۷۱	۳۰۳.۴۳	۲۸.۵۴		
کل درآمد تمام افراد عضو خانواده شما در ماه (از طریق کار، مستمری، درآمد کشاورزی، اجاره و سایر درآمدهای پولی) چقدر است؟	کارآفرین اجتماعی	۹۹	۱۰۳۱.۸۱	۶۳۴.۹۵	۶۳.۸۱	۷.۱۸	۰.۰۰۰
	خیریه	۱۳۴	۵۱۰.۴۶	۳۹۹.۰۶	۳۴.۴۷		
حداقل درآمد مورد نیاز خانوار شما برای تأمین نیازهای اساسی (شامل مواد غذایی، پوشاک، بهداشت و سلامتی، مسکن) در ماه چقدر است؟	کارآفرین اجتماعی	۱۰۸	۸۰۰.۹۲	۷۳۵.۹۲	۷۰.۸۱	۱.۲۱	۰.۲۲۵
	خیریه	۱۲۹	۷۰۳.۶۰	۴۱۸.۴۳	۳۶.۸۴		

مأخذ: همان.

حداقل درآمد مورد نیاز خانوار برای تأمین نیازهای اساسی در دو گروه تفاوتی از نظر آماری نشان نمی‌دهد. خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه درآمد خود را در مقایسه با خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی به‌طور معناداری کمتر ارزیابی می‌کنند (آزمون یک دامنه t=4.55، df=277، P=0.000). در پاسخ به سؤال «آیا درآمدتان را کمتر از آنچه برای نیازتان لازم دارید می‌بینید؟» پاسخ اکثریت افراد هر دو گروه مثبت است. آزمون خی دو تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد (X²=(1, N=264) 0/073، p=0.78).

۴-۵. فقر نسبی

فقر نسبی، فقر را درخصوص موقعیت اقتصادی اعضای دیگر جامعه تعریف می کند افراد فقیر هستند اگر آنها زیر استانداردهای رایج در یک جامعه خاص قرار بگیرند. میانگین درآمد لازم برای خارج از فقر بودن از نظر خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرینی اجتماعی (n=106) ۱,۵۶۲,۰۰۰ هزار تومان است و از نظر خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه (n=144) ۱,۲۲۱,۰۰۰ هزار تومان است. آزمون تی مستقل نشان داد که تفاوت مشاهده شده معنادار است (آزمون یک دامنه $P=0.05$ ، $df=248$ ، $t=3.22$). در ادامه پرسیده شده «خانواده شما تا چه حد بالا یا زیر این سطح قرار دارد؟» ۳۷/۵ درصد خدمات گیرندگان مؤسسات کارآفرین اجتماعی ۸۲ درصد خدمات گیرندگان مؤسسات خیریه، درآمدهای خود را خیلی کمتر از این مقدار می دانند. ۲۱/۶ درصد خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی جایگاه خود را در جامعه بسیار پایین تر از متوسط می دانند، در حالی که ۶۶ درصد از خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه همین نظر را دارند.

۴-۶. فقر زمان

فقر زمان در این پژوهش به معنی کمبود زمانی است که به دلیل فشار کاری زیاد چه کار بیرون از منزل و چه کار داخل خانه ایجاد می شود و فرد زمان کافی برای رسیدگی به سایر جنبه های زندگی ندارد. یافته ها نشان می دهد خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی به طور میانگین روزانه ۴۶ دقیقه در روز برای رفتن از خانه به محل کار و برگشت صرف می کنند و ۸ ساعت و ۵۹ دقیقه در روز سر کار هستند. آزمون تی مستقل نشان داد که هر دو گروه از نظر فقر زمان با هم تفاوت معناداری ندارند. به این معنا که هر دو گروه به یک اندازه احساس کمبود از نظر وقت کافی برای صرف کردن با خانواده، دوستان و تفریح دارند و نیز به یک اندازه احساس می کنند در دام روزمرگی افتاده اند و تحت فشار کارها هستند.

۴-۷. فقر اجتماعی (طردشدگی و فراموش شدگی)

طرد اجتماعی شامل تجربه طرد شدن و تحقیر می شود. طرد اجتماعی کنار گذاشته شدن و

نادیده گرفته شدن توسط افراد قدرتمندی است که بر دسترسی فقرا به منابع و فرصت‌ها تأثیر می‌گذارند. یافته‌ها نشان می‌دهد خدمات گیرندگان مؤسسه‌های کارآفرین اجتماعی پس از اعضای فامیل، از دوستان خود حمایت‌های اطلاعاتی، ابزاری و عاطفی دریافت می‌کنند، در حالی که خدمات گیرندگان مؤسسه‌های خیریه بیشتر به اعضای فامیل خود متکی هستند.

۴-۸. فقر عاملیتی

فقر دارایی‌های مادی، فقر آموزش، فقدان مهارت و ارتباطات اجتماعی ضعیف، باعث عدم اعتماد به نفس فقرا می‌شوند. کنترل ضعیف بر تصمیم‌های اصلی و سرنوشت‌ساز زندگی که پیامدهای مهم دارند و حتی کنترل بر تصمیم‌گیری در مسائل کوچک به معنای فقر عاملیتی یا قابلیت است. این موضوع فقط در زنان دارای همسر، تحلیل شد. از کل پاسخگویان، ۹۶ نفر دارای همسر بودند. یافته‌ها نشان می‌دهد گروه خدمات‌گیرنده از کارآفرینان اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی، با گروه دوم تفاوتی ندارند.

۴-۹. آسیب‌پذیری

آسیب‌پذیری به معنی احتمال رنج بردن از یک شوک رفاهی قابل توجه است که خانوار را به زیر حداقل سطح اجتماعی تعریف شده می‌آورد. آسیب‌پذیری خطر بودن در فقر یا افتادن در فقر عمیق‌تر در آینده است.^۱ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هر دو گروه از نظر آسیب‌پذیری مشابه هستند.

جدول ۴. مقایسه آسیب‌پذیری به تفکیک نوع مؤسسه

نوع مؤسسه				موضوع	
کارآفرین اجتماعی		خیریه			
تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۹۳	۶۷/۹	۸۴	۶۴/۶	بلی	تنها منبع درآمد خانواده ما، درآمد من است
۱۱۰	۸۰/۳	۱۱۸	۸۴/۳	بلی	در صورت بیکار شدن پس‌اندازی ندارم

مأخذ: همان.

۱۰-۴. فقر در طی زمان (فقر بین نسلی)

فقر بین نسلی، مفهومی است که به فقر همیشگی اشاره می کند که از نسلی به نسل بعدی منتقل می شود. به منظور بررسی تأثیر کارآفرینی اجتماعی بر فقر بین نسلی (چرخه فقر)، ابتدا پاسخگویانی انتخاب شدند که به سؤال آیا «جد اندر جد فقیر بودند؟» پاسخ مثبت داده بودند. سپس پاسخ سؤال «آیا فکر می کنید واقعاً در حال حاضر فقیر هستید؟» در خدمات گیرندگان دو نوع مؤسسه مقایسه شد. یافته ها نشان می دهد ۳۷/۳ درصد خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی که خود را جد اندر جد فقیر می دانستند، فکر می کنند واقعاً در حال حاضر فقیر نیستند، در حالی که تنها ۸/۳ درصد گروه دیگر همین نظر را دارند (p=0.000). $\chi^2(1, N=160) = 20/23$.

جدول ۵. مقایسه جنبه های فقر خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی با خیریه

ابعاد فقر	برخی از شاخص و گویه های مورد استفاده	کارآفرین اجتماعی	خیریه	Pvalue
فقر ضروریات زندگی	برخورداری از ماشین لباسشویی، تلویزیون، فریزر، تلفن همراه لمسی، کامپیوتر، اتصال به اینترنت در خانه، تلویزیون ال. سی. دی، لباس مناسب، درمان های لازم دندان، بیمه درمانی، میوه و سبزی تازه روزانه، مهمان کردن فامیل یا دوستان ماهی یکبار، شرکت در عروسی، شرکت در فعالیت های ورزشی	٪۴۰	٪۲۸	۰/۰۰۰
	برخورداری از «گوشت یا ماهی یکبار در هفته» و «سه وعده غذا در روز»	٪۶۸	٪۶۳	NS
فقر سلامت محور	میانگین نمره سلامتی	۳/۲۸	۲/۲۵	۰/۰۰۰
	دارای بیماری طولانی مدت جسمی یا روانی در ۱۲ ماه گذشته	٪۴۳/۸	٪۶۶/۴	۰/۰۰۰
	میانگین نمره سؤال در ۱۲ ماه گذشته آیا احساس کردید که سلامتی تان، بر موقعیت مالی تان تأثیر داشته است؟	۲/۵	۳/۲	۰/۰۰۱
فقر مسکن محور	مالک مسکن	٪۳۳	٪۱۶/۷	۰/۰۰۰
	وضعیت تعمیرات خانه ضعیف است	۴۲/۷	۶۰/۸	۰/۰۰۰

ابعاد فقر	برخی از شاخص و گویه‌های مورد استفاده	کارآفرین اجتماعی	خیریه	Pvalue
فقر درآمدی	میانگین درآمد پس از دریافت حمایت (هزار تومان)	۷۳۰	۴۰۵	۰/۰۰۰
	میانگین کل هزینه ماهانه زندگی (هزار تومان)	۷۱۳	۴۸۳	۰/۰۰۰
	حداقل درآمد مورد نیاز خانوار برای تأمین نیازهای اساسی (هزار تومان)	۸۰۰/۹۲	۷۰۳/۶۰	NS
فقر نسبی	درآمد خانوار خیلی کمتر از میانگین درآمد لازم برای خارج از فقر بودن است	٪۳۷/۵	٪۸۲	۰/۰۰۰
	جایگاه خود را در جامعه بسیار پایین تر از متوسط می‌بینند	٪۲۱/۶	٪۶۶	۰/۰۰۰
طردشدگی	دریافت حمایت‌های اطلاعاتی، ابزاری و عاطفی از دوستان	٪۲۹/۶۸	٪۱۰/۵۶	۰/۰۰۰
فقر زمان	میانگین احساس کمبود از نظر وقت کافی برای صرف کردن با خانواده، دوستان و تفریح و در دام روزمرگی افتادن و تحت فشار کارها بودن	۳/۵	۳/۴۷	NS
فقر عاملیتی	کنترل بر تصمیم‌گیری در مسائل بزرگ و کوچک زندگی	٪۴۹	٪۵۳	NS
آسیب‌پذیری	تنها منبع درآمد خانواده، درآمد من است	۶۷/۹	٪۶۴/۶	NS
	در صورت بیکار شدن پس‌اندازی ندارم	٪۸۰/۳	٪۸۴/۳	NS
فقر بین‌نسلی	نسبت به نسل‌های قبل از خود واقعاً در حال حاضر فقیر نیستند	٪۳۷/۳	٪۸۳	۰/۰۰۰

مأخذ: همان.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اکثر خدمات‌گیرندگان مؤسسه‌های خیریه (۵۸ درصد) از بیماری‌های حرکتی (برای مثال راه رفتن در فواصل کوتاه یا بالا رفتن از پله) رنج می‌برند. از آنجا که بیشتر این افراد در مشاغل مهارت دارند و یا به انجام مشاغلی قادر هستند که نیاز به تحرک دارد (مشاغل یدی)، یکی از موانع توانمندسازی این گروه همین بیماری‌های جسمی است. بیماری‌های حرکتی و دردهای طولانی‌مدت، مانع از اشتغال در مشاغلی می‌شود که به ایستادن و

مقایسه جهت گیری های کارآفرینی اجتماعی و خیریه ای بر جنبه های مختلف فقر ... _____ ۲۰۵

حرکت نیاز دارند. این موضوع در سؤال «در ۱۲ ماه گذشته آیا احساس کردید که سلامتی تان، بر موقعیت مالی تان تأثیر داشته است؟» بررسی شد. نتیجه نشان می دهد میانگین نمره این سؤال، در خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرینی اجتماعی ۲/۵ و در خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه ۳/۲ از ۵ است. در واقع موقعیت ضعیف مالی موجب می شود تا خدمات گیرندگان از خیریه ها نتوانند به درمان این بیماری ها پردازند.

یافته ها نشان می دهد مالکیت مسکن در گروه خدمات گیرنده از مؤسسات کارآفرین اجتماعی (۳۳/۱ درصد) بیشتر از خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه (۱۶/۷ درصد) است. اگرچه بقیه خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی (۶۶/۹ درصد) با درآمد حاصل از کار به خرید خانه در کلان شهر مشهد قادر نیستند. فقر درآمدی موجب شده تا وضعیت تعمیرات خانه های گروه خیریه ای بدتر از گروه کارآفرین اجتماعی باشد.

آزمون تی برای دو گروه وابسته نشان داد که بین درآمد قبل و بعد از تحت حمایت نهاد کارآفرین اجتماعی درآمد، تفاوت معناداری وجود دارد. خیریه ای ها درآمدی از جاهای دیگر داشتند. اگرچه حداقل درآمد مورد نیاز خانوار برای تأمین نیازهای اساسی (خط فقر) در دو گروه تفاوتی را نشان نمی دهد، اما میزان کل درآمد و کل هزینه ماهانه (که شاخصی برای میزان مصرف و رفاه خانوار است) در گروه خدمات گیرنده از مؤسسه های کارآفرین اجتماعی حدود دو برابر گروه خیریه ای است. کارآفرینی اجتماعی موجب خروج جامعه هدف از فقر درآمدی شده است. میانگین درآمد گروه خدمات گیرنده از مؤسسه های کارآفرین اجتماعی ۱,۳۱۰,۰۰۰ تومان است که به طور چشمگیری از میانگین درآمد لازم برای تأمین نیازهای اساسی از نظر همین گروه یعنی ۸۰۰,۰۰۰ تومان بیشتر است. میانگین کل درآمد تمام اعضای خانوار خدمات گیرندگان از مؤسسه های خیریه ۵۱۰,۰۰۰ تومان و حداقل درآمد مورد نیاز خانوار برای تأمین نیازهای اساسی از نظر همین گروه ۷۰۳,۰۰۰ تومان است.

ماهیت فقر در جامعه ایران از فقر مطلق به فقر نسبی تغییر کرده است (رمضانی، ربیعی و اهدی مازندرانی، ۱۳۹۶). در حال حاضر افراد خود را در مقایسه با متوسط جامعه، فقیر احساس می کنند. کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی توانسته گروه هدفش را از فقر مطلق بیرون بیاورد، اما از فقر نسبی خیر. حدود ۵۰ درصد خدمات گیرندگان مؤسسه های

کارآفرین اجتماعی درآمد، استانداردهای زندگی و جایگاه خود را پایین تر از متوسط جامعه تلقی می کنند. این در حالی است که حدود ۹۰ درصد گروه دیگر یعنی خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه چنین تصویری از وضعیت خود دارند.

یافته های پژوهش نشان می دهد خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی پس از اعضای فامیل، از دوستان خود حمایت های اطلاعاتی، ابزاری و عاطفی دریافت می کنند، در حالی که خدمات گیرندگان مؤسسه های خیریه بیشتر به اعضای فامیل خود متکی هستند. خدمات گیرندگان خیریه ها بیشتر به شبکه های درون گروهی مثل اعضای فامیل در مواقع نیاز وابسته اند، در حالی که خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی می توانند حمایت های مورد نیاز را از شبکه برون گروهی نیز دریافت کنند. نقش دوستان در شبکه اجتماعی خدمات گیرندگان مؤسسه های کارآفرین اجتماعی بسیار مهم است. دوستان همانند اعضای فامیل حمایت های مختلف را فراهم می کنند. صرف نزدیکی فیزیکی، در شهرهای بزرگ حمایت ایجاد نمی کند؛ تا وقتی که رابطه با همسایه رابطه دوستی نشود، در زمان نیاز حمایت لازم را فراهم نمی کند.

پیش از تحقیق فرض می شد اشتغال به کار و کسب درآمد گروه خدمات گیرنده از مؤسسه های کارآفرین اجتماعی آنها را قادر کرده تا به مناطق مسکونی امن تر و با آسیب های اجتماعی (اعتیاد، خشونت و دزدی) کمتری زندگی کنند. به عبارت دیگر انتظار می رفت اشتغال آنها را از حاشیه های پُر آسیب به متن کم آسیب آورده باشد؛ اما نتایج نشان داد که میزان آسیب های اجتماعی در محیط زندگی این گروه بیشتر از گروه خدمات گیرنده از مؤسسه های خیریه است.

اگرچه یافته های پژوهش میزان آسیب پذیری دو گروه را به صورت تقریباً مشابهی نشان می دهد، اما وضعیت بهتر گروه خدمت گیرنده از مؤسسه های کارآفرین اجتماعی در جنبه های مختلف فقر (فقر سلامت محور، مسکن محور، درآمدی، نسبی و اجتماعی) به معنای آسیب پذیری کمتر این گروه است. برخورداری از قابلیت هایی نظیر مهارت لازم برای اشتغال، تملک دارایی ها، دریافت حمایت از شبکه برون گروهی، امکان بهره برداری از فرصت های محیطی مثل اشتغال و سرمایه گذاری را فراهم می سازد و میزان آسیب پذیری را کاهش می دهد.

مقایسه جهت گیری های کارآفرینی اجتماعی و خیریه ای بر جنبه های مختلف فقر ... _____ ۲۰۷

گروه خدمات گیرنده از مؤسسات کارآفرین اجتماعی در مقایسه با گروه دیگر، به طور معناداری وضعیت زندگی خود را در حال حاضر کمتر مشابه زندگی پدرشان در گذشته می داند. همچنین ۴۴/۲ درصد آنها در مقایسه با ۸۹/۳ درصد گروه خدمات گیرنده از مؤسسه های خیریه، خود را در حال حاضر فقیر می دانند.

بحث

اقدامات کارآفرینی اجتماعی نهادهای حمایتی با حمایت از اشتغال گروه های محروم اجتماعی نه تنها آنها را از فقر دور می کند بلکه با زمینه سازی برای مشارکت محرومان در اجتماع (مثلاً از طریق اشتغال) موجب می شود تا آنها احساس تعلق به اجتماع کنند. روابط معنادار با دیگران برقرار کنند و نسبت به خود احترام قائل شوند و قدر و منزلتی توسط دیگران برای فرد قائل شود. کارآفرینی اجتماعی با توانمندسازی اقتصادی محرومان آنها را به خود متکی می سازد و روند طرد اجتماعی را معکوس می کند؛ تصویرشان از خودشان (عزت نفس) را بهبود می بخشد و آنها را با جامعه اصلی ادغام می کند.

شواهد و دیدگاه های مختلف (آگیون و مرداک، ۱۳۹۱؛ بیزجی و دوفلو، ۱۳۹۲؛ یونس، ۱۳۹۲) اهمیت کارآفرینی اجتماعی را در کاهش فقر مورد تأکید قرار داده اند و یافته های تحقیق این نتایج را تأیید می کنند (رئسی، نجفی و باقری، ۱۳۹۲). همچنین اهمیت اشتغال و درآمدزایی بر توانمندسازی زنان در تحقیقات مختلفی نشان داده شده است (کرمانی و همکاران، ۱۳۹۲).

زنان سرپرست خانوار از طریق پیوندهای شغلی و فعالیت اقتصادی در بیرون از خانه، ضعف شبکه های خویشاوندی را با منابع بین گروهی جبران می کنند. اشتغال زنان ضمن تأمین درآمد برای آنها، فرصت هایی را برای شکل گیری روابط جدید و بهره مندی از منابع آن ایجاد کرده است (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲). یافته های تحقیق این نظر را تأیید می کند که فعالیت در بازار کار به شکل گیری سرمایه اجتماعی کمک و پیوندهای بین گروهی را تقویت می کند (همان) اشتغال صرف نظر از جنبه اقتصادی (افزایش رفاه فرد یا درآمد خانوار)، از لحاظ اجتماعی نیز دایره شمول فرد را گسترش می دهد و از خطر انزوا

و طرد اجتماعی وی می‌کاهد (مور، ۱۳۸۵: ۲۲۴). اعضای شبکه فامیل و دوستان نسبت به شبکه همسایگی، آشنایان و مؤسسات، بیشترین حمایت را از خدمات‌گیرندگان مؤسسات کارآفرین اجتماعی فراهم می‌کنند. در واقع به این معنی است که در مسیر توانمندسازی، می‌توان از منابع و توانمندی‌های شبکه فامیل و دوستان فرد استفاده کرد.

هر دو گروه از نظر زمان فراغت احساس کمبود می‌کنند اما کمبود زمان گروه کارآفرین اجتماعی که بخش عمده‌ای از آنها را زنان تشکیل می‌دهند به دلیل تعدد نقش است. اشتغال در کار بیرون از خانه، همزمان با کار داخل خانه و رسیدگی به بچه‌ها، از طرفی باعث احساس تحت فشار بودن می‌کند و از طرف دیگر وقت کمی برای تفریح باقی می‌گذارد. میزان آسیب‌پذیری در هر دو گروه بالاست. در واقع به این معنی است که کارآفرینی اجتماعی توانسته جامعه هدفش را در ابعاد مختلف توانمند کند، اما این توانمندی میزان آسیب‌پذیری را کاهش نداده است (علاءالدینی و جلالی موسوی، ۱۳۸۹).

این پژوهش تفاوت ایجاد شده در ابعاد مختلف فقر را در نتیجه تغییر جهت‌گیری از رویکرد خیریه به کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی نشان می‌دهد. با توجه به نتایج قابل توجه این تغییر جهت (کاهش فقر و آسیب‌های ناشی از آن، پایداری مأموریت اجتماعی در نهادهای حمایت، صرفه‌جویی در بودجه‌های دولتی و توسعه اقتصادی کشور)، شایسته است دولت زمینه را برای این تغییر تسهیل کند. وضع قوانینی که فعالیت اقتصادی را برای مؤسسه‌های خیریه امکان‌پذیر می‌سازد و حمایت از کسب و کارهای اجتماعی همانند فعالیت‌های تجاری، از مواردی هستند که به این تغییر جهت کمک می‌کنند. در نهادهای حمایتی با جهت‌گیری خیریه‌ای نیز ضروری است پیش‌نیازهای لازم برای پیاده‌سازی مدل‌های کسب و کار اجتماعی در مؤسسه فراهم شود. تغییر بیانیه مأموریت مؤسسه، اتخاذ رویکرد توانمندساز به جای رویکرد خیریه‌ای، آموزش کارکنان، تأمین منابع مالی، ارزیابی عملکرد اجتماعی و مالی از جمله تغییرات لازم در سطح سازمانی هستند.

از این رو بستر و محیطی لازم است تا کارآفرینان اجتماعی بانگیزه و مستعد شناسایی شوند، مورد آموزش قرار گیرند و در نهایت از کسب و کار شکل گرفته توسط آنها حمایت شود، برای محقق شدن این امر، خط‌مشی‌گذاری و خط‌مشی‌های دولت برای فرایند مزبور

مقایسه جهت‌گیری‌های کارآفرینی اجتماعی و خیریه‌ای بر جنبه‌های مختلف فقر ... _____ ۲۰۹

ضروری است. یکی از مشکلات در پرداخت وام به فقرا، نداشتن وثیقه و ضامن است، برای رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود بانکداری گروهی توسعه داده شود و دولت و نهادهای حمایتی سرمایه لازم برای این مراکز را تأمین کنند. به‌عنوان مثال بخشی از بودجه سالانه دولت که برای پرداخت وام نیازمندان به بانک‌ها داده می‌شود برای توسعه این مراکز اختصاص داده شود.

منابع و مآخذ

۱. آقای، تیمور و محمود زارع‌نیا (۱۳۹۰). کتاب جامع کارآفرینی و کسب‌وکار، تهران، کتاب طلایی جامع.
۲. آگیون، بیتریز آرمنداریز دی و جانانان مرداک (۱۳۹۱). *اقتصاد تأمین مالی خرد*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
۳. احمدپور داریانی، محمود، یاشار سلام‌زاده و فاطمه شرفی فرزاد (۱۳۸۹). «تحلیلی بر شکاف‌های موجود در کارآفرینی اجتماعی در ایران، پای در زنجیر»، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و نوآوری.
۴. اسدی، مه‌ری، سیدمصطفی رضوی و مقصود فراستخواه (۱۳۹۰). «الگوی کارآفرینی اجتماعی در ساماندهی کودکان خیابانی»، کارآفرینی، ۳(۱۲).
۵. امرسون، جد، دیویس جی گریگوری و پتر اکونومی (۱۳۸۹). *کارآفرینی اجتماعی در ساماندهی کسب‌وکارهای اجتماعی*، ترجمه محمود احمدپور داریانی و لیلا وطن‌دوست، تهران، راه دان.
۶. برزگران، ابوالفضل (۱۳۹۳/۷/۱). «گرفتار ماریبیچ فقرمی شویم»، مصاحبه با وحید محمودی، تدبیر اقتصادی.
۷. بِنرجی، آبهیجیت و استر دوفلو (۱۳۹۲). *اقتصاد فقیر: بازاندیشی بنیادین در شیوه مبارزه با فقر جهانی*، ترجمه جعفر خیرخواهان و مهدی فیضی، تهران، دنیای اقتصاد.
۸. بی‌ملور، رابرت، گری کالتون، آن چیک، آنتونیا بیفالکو، نوحا ملور، آلان فیشر (۱۳۹۱). *کارآفرینی برای همه*، ترجمه جهانگیر بدالهی، کورش نجفی، تهران، دانشگاه تهران.
۹. جم. (۱۳۹۰). گزارش کارآفرینی اجتماعی در ایران.
۱۰. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۶). «بودجه کمیته امداد»، <https://www.tasnimnews.com>.
۱۱. رضانی، ابوالفضل، علی ربیعی و محمد اهدی مازندرانی (۱۳۹۶). «تبیین فرایند کارآفرینی اجتماعی در نهادهای حمایتی و مؤسسات خیریه»، در دست چاپ.
۱۲. رئیس، رقیه، بهاء‌الدین نجفی و پژمان باقری (۱۳۹۲). «بررسی اثربخشی عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی بر افزایش اشتغال و کاهش فقر در خانواده اعضا براساس مدل لاجیت»، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۴(۳۷).
۱۳. زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۴). «فقر روستایی؛ روند و اندازه‌گیری آن در ایران (تبیین روش‌ها و نقد رویکردها)»، *رفاه اجتماعی*، ۱۷(۴).
۱۴. سن، آمارتیا (۱۳۸۱). *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه حسین راغفر، تهران، کویر.
۱۵. طالب، مهدی، سیداحمد فیروزآبادی و صدیقه پیری (۱۳۹۰). «مسئله‌شناسی فقر از دیدگاه زنان و

- دختران روستایی»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۲(۳۳).
۱۶. علاء‌الدینی، پویا و آزاده جلالی موسوی (۱۳۸۹). «ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ایران»، دو فصلنامه توسعه روستایی، ۲(۳).
۱۷. غفاری، غلامرضا و محمدباقر تاج‌الدین (۱۳۸۴). «شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی»، رفاه اجتماعی، ۴(۴).
۱۸. فیروزآبادی، سیداحمد و علیرضا صادقی (۱۳۹۲). *طرد اجتماعی: رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت*، تهران، جامعه‌شناسان.
۱۹. قاسمیان، سعید (۱۳۸۴). «کاهش فقر در ایران: چالش‌ها و افق‌ها»، رفاه اجتماعی، ۱۸(۵).
۲۰. کرمی، یدالله، محمدحسن مبارکی و علیرضا مهاجری (۱۳۹۰). «شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت طرح‌های خودکفایی و اشتغال‌زایی کمیته امداد امام خمینی (ره) با رویکرد کارآفرینی اجتماعی»، اولین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی کشور.
۲۱. کرمانی، مهدی، محمد مظلوم، حسین بهروان و محسن نوغانی (۱۳۹۲). «عوامل مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان شاغل در مراکز کوثر شهرداری تهران در سال ۱۳۹۱)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۴(۳).
۲۲. لوین، آن، لورین ایگیو و دیوید مرکر (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی برای مددکاران اجتماعی*، ترجمه فریده همتی، تهران، سمت.
۲۳. مقیمی، محمد، یوسف وکیلی و مرتضی اکبری (۱۳۹۲). *نظریه‌های کارآفرینی*، تهران، دانشگاه تهران.
۲۴. مور، کن بلیک (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و سعید صادقی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۲۵. مولان، باب (۱۳۸۰). *نظر جامعه‌شناسان درباره جامعه‌شناسی*، ترجمه یوسف نراقی، تهران، اطلاعات.
۲۶. نارایان، دیپا، رابرت چمبرز، میراک شاه و پتی پتس (۱۳۹۰). *صدا فقرا: فریاد برای تغییر*، ترجمه مصطفی ازکیا و جمال رحمتی‌پور، تهران، کیهان.
۲۷. یونس، محمد (۱۳۹۲). «بانک تهی‌دستان»، ترجمه علی بابایی، سهیل پورصادقی، علیرضا خیری و زهرا عنایتی، تهران، *دنای اقتصاد*.

28. Azmat, F. (2013). Sustainable Development in Developing Countries: The Role of Socialentrepreneurs, in Ternational Journal of Public Administration, 36(5).

29. Bernardino, S., J. F. Santos and J. C. Ribeiro (2015). *Handbook of Research on Entrepreneurial Success and its Impact on Regional Developmen:*

- Universidade Aberta, Portugal & CEFAGE, Universidade de Évora, Portugal.
30. Borzaga Carlo, Giulia Galera and Rocío Nogales (2008). *Social Enterprise: A New Model for Poverty Reduction and Employment Generation*, Bratislava, UNDP.
 31. Diochon, M. (2013). "Social Entrepreneurship and Effectiveness in Poverty Alleviation: A Case Study of a Canadian First Nations Community", *Journal of Social Entrepreneurship*, 4(3).
 32. Dobele, L. (2012). "Social Entrepreneurship Problems and Solutions: a Case Study of Latvia", *West East Journal of Social Sciences*, 1(1).
 33. Fayolle, A. and H. Matlay (2010). *Handbook of Research on Social Entrepreneurship*, Northampton, Edward Elgar Publishing.
 34. Gidron, B. (2014). "Market-Oriented Social Enterprises Employing People with Disabilities: A Participants' Perspective", *Journal of Social Entrepreneurship*, 5(1).
 35. Girisimcilik, Y. (2011). "Social Entrepreneurship in Combating with Poverty: Social Innovative Cases of Ashoka Fellows2", *Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, (3)13.
 36. Greening, D. W., J. Wall and S. Elias (2012). "Developing Theory in Corporate Social Responsibility and Social Entrepreneurship: an International Investigation of the Pet Organization", *Proceedings of the Twenty-Third Annual Meeting of the International Association for Business and Society*, 23.
 37. Lambro, M. (2012). "Enterprising Differently: Markets, Policy Contexts and Social Enterprise", *International Review of Social Research*, 2 (2).
 38. Lyne, I. (2012). "Social Enterprise and Social Entrepreneurship as Models of Sustainability for Local Ngo's: Learning from Cambodia", *International Journal for Management Research*, 2(1).
 39. McAnany, E. (2012). "Social Entrepreneurship and Communication for Development and SocialChange- Rethinking Innovation", *Nordicom Review*, 33.
 40. Parente, Cristina Ribeiro, Williams Colin and Powell JasonLee (2016). "Social Entrepreneurship in Portugal: Intervention and Management Models in Third Sector", *International Journal of Sociology and Social Policy*, 36(7/8).
 41. Skold ,W. (2013). *A Qualitative Look at the Lived Experience of Coping with Social Exclusion in Adolescence*, The Chicago School of Professional Psychology.
 42. Teasdalea, S. (2010). "How Can Social Enterprise Address Disadvantage? Evidence from an Inner City Community", *Journal of Nonprofit & Public Sector Marketing*, 2(22).
 43. United Nations (2016). *Poverty*, Retrieved 07 June, 2016.
 44. Vahabzadeh, Arshya (2015). "Social Exclusion", from www.khanacademy.org.
 45. Watters, K., L. Willington, T. Shutte and R. Kruh (2012). *Social Entrepreneurship—individuals with Vision Hold Unlimited Potential to Alleviate Poverty: The UnLtd South Africa Model*.
 46. World Bank (2016). Measuring Vulnerability. Retrieved 12/06, 2016, from <http://web.worldbank.org>.